

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

شماره ۷۳

مرداد ماه ۱۳۹۱ اوت ۲۰۱۲

toufan@toufan.org www.toufan.org

افزایش گرانی و بحران مرغ ص. ۲



چند یادداشت کوتاه سیاسی

۱ - تریبونال لندن و موضوع دریافت کمک مالی و تبلیغاتی از امپریالیسم ص. ۳

۲ - اپوزیسیون شبه انقلابی و نفهمیدن مفهوم جنگ امپریالیستی ص. ۴

۳ - ناقضین حقوق ملل، ناقضین حقوق بشرند ص. ۵

ما همه افغانی هستیم ص. ۵

قرن بیست و یکم، قرن دروغ‌های بزرگ ص. ۷

ضد انقلاب در سوریه ص. ۹



تروریسم خوب و تروریسم بد ص. ۱۰

به یاد رفیق بهرام رازی ص. ۱۱



درافشای سازمان مجاهدین ص. ۱۲

طبقه‌ی کارگر پرچمدار مبارزه برای دموکراسی ص. ۱۳

گرانی مرغ و رونق کباب گنجشک ص. ۱۳

درباره‌ی اعتصاب درخشان کارگران معدن ص. ۱۵

انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان)

در مورد دستگیری و بدرفتاری با فعالین کارگری در کرج ص. ۱۷

افزایش گرانی و بحران مرغ

گرانی در ایران ابعاد بی سابقه‌ای یافته است و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که مسبب این گرانی است هیچ راه حلی برای خروج از این مخصصه اقتصادی ندارد. مردم ایران که زیر خروارها مشکلات اقتصادی به تنگ آمده‌اند راهی جز طغیان علیه وضعیت موجود ندارند. افزایش بی رویه قیمت مرغ و کاهش توزیع آن در شهرها به ویژه در شهر نیشابور موجب اعتراضات مردم این شهر گردید که با شعارهای کوبنده سیاسی، سران رژیم بی کفایت اسلامی را مورد حمله قرار دادند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، قیمت مرغ در برخی نقاط تهران به ۸ هزار تومان رسیده است. رسانه‌های داخلی ایران هم چنین از تشکیل صف‌های طولانی مردم در برخی اماکن عرضه کننده مرغ به قیمت دولتی خبر داده‌اند. براساس این گزارش‌ها خریداران مرغ دولتی که قیمت آن ۴ هزار و ۷۰۰ تومان تعیین شده، باید ساعت‌ها در صف بمانند و انتظار بکشند. کمبود و گرانی قیمت مرغ و نارضایتی عمومی، دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی را به دست انداز انداخته و واکنش‌های متفاوتی را به همراه داشته است.

آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید در قم، روز شنبه (۳۱ تیر) با توصیه به مردم به عدم اصرار در خرید مرغ گفت: "من بدون این که تحریم کنم، تصمیم گرفتم مرغ نخورم. مردم هم می‌توانند با جمع و جور کردن اطراف کار در مقابله با گرانی سهم باشند."

علی لاریجانی، رئیس مجلس اسلامی نیز در توضیح دلیل افزایش قیمت مواد غذایی به "نبود مدیریت صحیح" و "اجرای نادرست طرح هدفمند کردن یارانه‌ها" اشاره کرده بود.

احمد علم‌الهدی امام جمعه‌ی مشهد، روز جمعه ۶ مرداد ماه نیز توصیه کرد "اگر مرغ در دسترس نیست مردم می‌توانند آن را با مواد پروتئینی دیگری همچون "اشکنه پیاز داغ" جایگزین کنند."



تصویری از تجمع اعتراضی در نیشابور

واقعیت این است که کارگران و عموم زحمتکشان ایران سال‌هاست که از گرانی به ستوه آمده‌اند و اعتراضات مردم نیشابور عکس‌العمل طبیعی نسبت به این ناهنجاری اقتصادی است. طبق گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قیمت مواد خوراکی در یکسال منتهی به ۲۹ اردیبهشت ماه امسال از ۷,۳ درصد تا ۲۴۵,۵ درصد در ایران افزایش یافته است. لبنیات به‌طور نمونه، در عرض یک سال ۴۸,۳ درصد و سبزیجات ۱۰۰ درصد گران شده است. هم‌چنین در یک سال گذشته قیمت میوه ۵۵,۵ درصد و گوشت قرمز ۴۹,۶ درصد افزایش یافته است. برنج، حبوبات، گوشت قرمز، گوشت مرغ، چای، سبزی‌های تازه، روغن و میوه از دیگر اقلامی هستند که بهای آن‌ها افزایش نشان می‌دهد.

بهای مرغ در تهران در سنجش با بهای مرغ در برخی شهرها و کشورهای جهان

مرغ ایرانی با قیمت ۷۳۰۰ تومان رکورد بهای مرغ را در دنیا شکست!

شهر	تهران	کراچی	نیویورک	سمرقند	ابوظبی	مسقط	کینهاک	ریو دوژانیرو	قاہرہ
نرخ (تومان)	۷۳۰۰	۱۹۷۸	۱۸۶۰	۱۲۵۰	۱۱۰۰	۳۱۹۳	۱۰۴۰	۳۲۵۰	۳۴۸۰
برگرفته از «باشگاه خبرنگاران» پنجشنبه ۱۵ تیر									

آمارهای اقتصادی بانک مرکزی در ماههای ابتدائی سال ۹۱ پس از حدود یک سال سکوت این نهاد اقتصادی، مجبور به اعلام در انتشار آمار شده‌اند. در هفته‌های اخیر بانک مرکزی در گزارشی رسمی هشدار داده بود به دنبال افزایش تورم ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها، پرداخت یارانه‌ها بی تأثیر شده، سطح رفاه مردم کاهش و شکاف طبقاتی افزایش یافته است. افزایش سرسام آور قیمت‌ها در حالیکه دستمزد کارگران و زحمتکشان، حقوق آموزگاران و کارمندان جزء دولت در سطح نازلی باقی مانده است. مردم ما به زحمت گذران زندگی خود و خانواده خود را سرهم می کنند و اکنون در چنان تنگنایی قرار گرفته‌اند که حتی تهیه نان خالی و سکونت در یک اطاق کوچک نیز از توانائی آنان بیرون است.

تحریم‌های ضد بشری اقتصادی، کاهش قیمت نفت، هرج و مرج و نابسامانی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و بانکی و معضل یارانه‌ها همگی نیز گلوی اقتصاد بیمار ایران را فشرده و موجب تشدید بحران اقتصادی ایران گشته است.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که یک رژیم مافیائی و دروغ‌گوست هیچ پاسخی برای نیازمندی‌های ابتدائی مردم ایران ندارد. افزایش قیمت‌ها در درجه نخست ناشی از آزمندی بی حساب و کتاب مثنی سرمایه‌دار انگل و سودجو به تحصیل سود هر چه بیشتر است و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نه می خواهد و نه می تواند جلوی سود جوئی طبقاتی را که خود در زمره آنها و نماینده و مدافع منافع آنها است بگیرد. برای مبارزه با گرانی باید تولید داخلی را افزایش داد و از واردات بی بند و بار جلو گرفت. رژیم درهای مملکت را به سوی واردات خارجی کاملاً گشوده است و بورژوازی دلال ایران که انحصار بازار را در ید قدرت خود دارد با تبانی با مقامات مسئول و آیت‌الله‌های رنگارنگ اجناس را احتکار می کند تا آنها را باز هم گران تر بفروشد. برای رژیمی که فساد سرپای آن را فراگرفته است و تمام مسئولین امر از ولی فقیه گرفته تا احمدی نژاد و سرداران آدمکش سپاه پاسداران تا آیت‌الله‌ها و حاجی جبارهای مرده خور کوچه بازاری و مزدوران بسیجی و جیره خوار در اندیشه‌ی چاپیدن مردمنده، قیمت کالاها و توزیع محصولات نمی تواند به سود مردم باشد. اوضاع گرانی و فشار بر مردم آنقدر زیاد است که سران رژیم را توان کتمان آن نیست و لب به انتقاد گشودند.

مردم ایران که از گرانی به ستوه آمده اند راهی جز پیکار متحد علیه رژیم بی کفایت و ارتجاعی جمهوری اسلامی ندارند. مبارزه برای نان و آزادی مجزا از پیکار علیه غفريت تحریم اقتصادی نیست. کلیت نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مسبب گرانی افسارگسیخته است و همه‌ی راه‌های رهائی مردم شریف ایران از سرنگونی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی به دست مردم میهن ما می گذرد. برای تحقق این امر راهی جز تشکیلات و اتکا به نیروی خویش وجود ندارد.

جند یادداشت کوتاه سیاسی

تریبونال لندن و موضوع دریافت کمک مالی و تبلیغاتی از امپریالیسم

هستند ایرانیانی که بلند کردن دست گدائی به سوی استعمارگران را تقبیح نکرده و نمی کنند. آنها برای این در یوزگی به یکباره "لنینیسم" می شوند و با اشاره به اثر جاودانه‌ی لنین به نام "بیماری کودکی چپروانه در کمونیسم" دم از مجاز بودن مصالحه می زنند. آنها به منتقدین خود می گویند اگر دریافت کمک مالی از اجانب بد است پس چرا عده‌ای در گذشته از عراق پول و تجهیزات نظامی دریافت می کردند و غیرو. آیا افراد و گروه‌های چند نفره و فرقه‌ها بدون پایگاه اجتماعی و تأثیرات اجتماعی نیز مجازند به مصالحه دست زنند؟ البته می توان با این استدلالات عوامفریبانه همدستی با ارتجاع و مراجع امنیتی را نیز توجیه کرد و تحت نام "مصالحه" غسل تعمید داد.

از نگاه حزب ما دریافت پول و کمک مالی به هر شکل در گذشته چه از رژیم عراق و یا لیبی، رویونیست‌های چینی و یا روسی... نادرست و ارتجاعی بوده است. حال وضعی پیش آمده است که امپریالیست آمریکا و هلند به طور رسمی و صهیونیست‌های اسرائیل به صورت غیر رسمی به اپوزیسیون تقلبی ایران اعم از "چپ" و راست کمک مالی می کنند. این کمک مالی حتماً پیش شرط‌هایی دارد و این پیش شرط در شرایط کنونی همانا عدم موضع گیری در قبال جنگ طلبی امپریالیسم، تحریم اقتصادی ایران و جدا ساختن مبارزه‌ی دموکراتیک از مضمون ضد امپریالیستی است که باید به صورت معیوبی درآید تا باب طبع امپریالیست‌ها گردد. ایجاد سازمان‌های غیر دولتی در ایران که از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی طفره می روند و در مورد جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و فلسطین و لبنان و لیبی سکوت می کنند، ابوغریب و گوانتانامو را به فراموشی می سپارند، مخالف خروج بی قید و شرط متجاوزین از

خاک عراق و افغانستان هستند، از محکوم کردن اپوزیسیون سوریه و "ارتش آزاد" طفره می روند... و مدعی می شوند این مسایل به ما مربوط نیست از این قماش اند.

تریبونال لندن که این روزها سخت تحت فشار سیاسی منتقدین قرار گرفته است از شفاف سازی سیاسی در مورد دریافت کمک مالی و تبلیغاتی از امپریالیست ها طفره می رود اما طفره از محکوم کردن تحریم اقتصادی ایران و از طرفی همکاری نزدیک با آقای پیام اخوان که موافق بمباران و تجزیه ی یوگسلاوی و محاکمه ی میلوسویچ در تریبونال امپریالیستی دن هاگ بود، عملکردشان را به زیر علامت سؤال می برد.

طبق گزارش تریبونال در مرحله ی اول دادگاه جمهوری اسلامی در لندن:

« بیش از یانصد میلیون نفر در سراسر جهان از طریق بی بی سی، وُرد سرویس، الجزیره، العربیه، تلویزیون کانال دو سوئد، خبرگزاری سوئد و ده ها روزنامه ی سوئدی و بریتانیایی، چندین رادیو و سایت فعالان اجتماعی در آمریکا و شبکه ی اطلاع رسانی "پرس آسوسیشن" در جریان دادگاه قرار گرفتند. » (تأکید از توفان است)

مطمئن باشید اگر این تریبونال که مدعی مستقل بودن است مخالفت خود را با **تحریم اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران** اعلام می نمود از چنین پوشش تبلیغاتی گسترده ای برخوردار نمی شد. همین امر نشان می دهد که این عده ریاکارند، به آلت دست امپریالیست ها تبدیل شده و به فریب افکار عمومی و به ویژه خانواده های جانبازان سیاسی مشغولند. دریافت امکانات تبلیغاتی و لجستیکی نیز دریافت کمک مالی از امپریالیست ها محسوب می شود. اگر برای درج یک خبر و یا اعلامیه ی سیاسی کوتاه در بی بی سی و یا رادیو فردا و دیگر رسانه های خبری به صدها یورو و یا دلار نیاز مند است، پوشش تبلیغاتی بدین وسعت هزینه اش به ده ها و صدها هزار دلار فراتر می رود. با توسل به این گونه توجیهات کودکانه نمی توان به ریاکاری ادامه داد و به خود فریبی دست زد.

مبلغین این نظریات که یا نادانند و یا سر در آخور منابع مالی بیگانه دارند تکلیفشان روشن است. اینان با چنین مواضع سیاسی در عمل خواهان تجاوز امپریالیست ها به ایران هستند. مخالفت آشکار و روشن و عملی با تجاوز امپریالیست به ایران منابع مالی و تبلیغاتی آنها را می خشکاند. آنها در جبهه ی جهانی ضد جنگ خرابکاری می کنند، به جای تمرکز نیرو برای ممانعت از جنگ و تجاوز به ایران، سرنگونی رژیم ایران را همزمان با تجاوز امپریالیست ها و صهیونیست ها در دستور کار خود قرار می دهند، مانند مجانین نعره می زنند که باید جنگ را به جنگ داخلی بدل کرد و به جز حمایت های مالی امپریالیستی حاضر نیستند گامی برای انقلاب بدون جنگ بردارند.

مردم ایران به این جریان های گدا صفت اعتمادی نخواهند کرد. و این امر نیز چیزی نیست که پنهان بماند. به هر صورت در فردای انقلاب ایران و یا در روند انقلاب ایران مردم ایران خواهند فهمید که سر و ته این جریان ها به کجا بند است و از آنها سلب اعتماد می کنند. پول امپریالیستی نخستین صدمه اش را به این سازمان ها و اپوزیسیون تقلبی می زند و نه به رژیم ایران. به همین جهت حزب ما در عین این که از فشار مالی رنج می برد و دست و پایش در بسیاری موارد بسته است و بر فداکاری رفا بنا کرده است، مصوبات امپریالیستی را که می خواهد با تصویب بودجه های رخنه گرانه در ایران و خرید اپوزیسیون تقلبی ایران را به شدت محکوم می کند و این امر را نه تنها دخالت آشکار در امور داخلی ایران می داند بلکه دریافت کنندگان این کمک ها را به هر منطق اختراعی توجیهی همدست صهیونیسم و امپریالیسم می داند. دریافت کنندگان این کمک ها نوکران امپریالیستند و می خواهند مردم ایران را به زیر یوغ رقبت جهانخواران درآورند.

* * * * *

اپوزیسیون شبه انقلابی و نفهمیدن مفهوم جنگ امپریالیستی

سازمان ها و احزاب "چپی" هستند که برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در پارکابی امپریالیست آمریکا و متحدینش خیز برداشته و همانند اپوزیسیون خود فروخته ی عراقی، افغانی و لیبیائی ... می خواهند رسالت تاریخی خود را در "خدمت به مردم" به اثبات برسانند. اما طنز زمان این است که این عده از جریانات "چپ" که بوئی از مارکسیست لنینیست نبرده اند برای توجیه سیاست های ضد ملی و ضد میهنی و پرو امپریالیستی خود شیدانه از پلمیک های لنین در جنگ جهانی اول با سوسیال امپریالیست ها و سوسیال شوونیست های انترناسیونال دوم که جانب بورژوازی امپریالیستی خودی را گرفته و ماهیت جنگ را "میهنی و دفاعی" ارزیابی می کردند، مدد گرفته تا به هر طریق ممکن سیاست "جنگ داخلی" خود را در پارکابی استعمارگران به کرسی بنشانند. این اپوزیسیون شبه انقلابی عبارات بی سر و تهی از انقلاب اکتبر که آنرا نیز نفهمیده است، سرهم بندی کرده تا تئوری های شکست خورده و پوسیده اش را ثابت کنند.

کمونئیستها در انقلاب اکتبر میلیون ها انسان روسیه و طبقه کارگر روسیه را بدنبال خود داشتند. رهبری مبارزات را در راه خاتمه دادن به جنگ و استقرار صلح و احراز قدرت سیاسی، کسب کرده بودند و جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی بدل کردند. این جنگ امپریالیستی جنگ بین دو گروه امپریالیستها برای غارت جهان و به بردگی کشیدن

ملل بود، بر سر توسعه مناطق نفوذ و تامین سرگردگی بخشی از آنها و تامین بازارهای فروش و کسب مواد اولیه و غارت و چپاول جهان بود. این جنگ طرف محق نداشت. این وضعیت را نمی شود با تجاوز به عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، ایران و ممالک نظیر یکسان گرفت. یک عده مالیخولیائی پیدا شده اند و مدعی میگردند به علت ارتجاعی بودن هر دو طرف باید جنگ را به جنگ داخلی بدل کرد. این عده از حقوق ملتها هیچ چیز نمی دانند. اینان از وضعیت دهشتناک عراق و افغانستان و لیبی چیزی نیاموخته بوی کباب تجاوز به ایران مشامشان را تیز کرده است. آنها مدافع استعمار و امپریالیسم هستند، هرچند سرخاب سفیدآب "انقلابی" به چهره بمالند و خود را آرایش کنند.

ناقضین حقوق ملل، ناقضین حقوق بشرند

عده ای هنوز نفهمیده اند که ناقضین حقوق ملل، ناقضین حقوق بشر هم هستند. این عده نمی خواهند ببینند عراق و افغانستان و لیبی به چه روزی دچار شده اند. کسی که این را نفهمد و چشم بسته جعلیات رسانه های امپریالیستی و استعماری را در فیسبوک و دیگر نشریات اینترنتی تبلیغ کند، چه بداند و یا نداند و چه آگاه باشد و یا نباشد به امپریالیسم و صهیونیسم جهانی خدمت می کند.

آزادی و دموکراسی فقط با دست خود مردم و از درون هر کشوری جوانه خواهد زد و نه از بیرون توسط لاشخوران بین المللی. کسی که این را نفهمد نوکری اجانب را پذیرفته است. سازمان مجاهدین، سلطنت طلبان رنگارنگ، حزب جعلی کمونیست کارگری، عده ای از ولگردان سیاسی سبز و همه رنگ.... از جمله چنین گروه های خودفروخته ای هستند که به دنبال آمریکا روانند. این جریانات خودفروخته از اینکه روسیه و چین به خاطر منافع خود طرح آمریکا برای حمله ی نظامی به سوریه را در شورای امنیت سازمان ملل متحد وتو کرده اند، از خشم بر خود می پیچند و از این امر ناراحتند. غافل از این که هر تغییر و تحولی در ایران و یا در سوریه باید توسط خود مردم آن کشور صورت گیرد و نه عملیات تروریستی القاعده و ممالک ارتجاعی عربی و سازمان نظامی ناتو. اوضاع نابسامان و دهشتناک مردم عراق، افغانستان و لیبی بسیار آموزنده است. آزموده را دوباره آزمودن خطاست.

ما همه افغانی هستیم

ریاکاری امپریالیست ها را افشا کنیم

«**ما همه افغانی هستیم**» پاسخ صحیح و برآمده بود علیه ی سیاست تبعیض و ممنوعیت مهاجرین افغانی به یک پارک عمومی در اصفهان توسط رژیم ضد مردمی و سرکوبگر جمهوری اسلامی. این سیاست ارتجاعی و نژادپرستانه و ضد انسانی به حق از طرف همگان قویاً محکوم گردید و مورد اعتراض ایرانیان مترقی قرار گرفت. این که برادران و خواهران افغانی ما در ایران مورد حملات رذیلانه و نژادپرستانه قرار گرفته و می گیرند و رژیم جنایتکار اسلامی نیز بدان نیز دامن می زند، بر کسی پنهان نیست، باید محکوم گردد. اما در عین حال باید به ریاکاری رسانه های امپریالیستی از بی بی سی، صدای آمریکا، رادیو فردا، رادیو آلمان و فرانسه و هلند و ... که این همه علیه ی تبعیض نژادی، راسیسم و نقض حقوق مهاجرین افغانی سخن می گویند بپردازیم و انسان دوستی دروغین آنها را بر ملا سازیم.

حتماً به خاطر می آورید، چندی پیش مردم روستای پنجاب که ۱۶ نفرشان به قتل رسیده بودند در اطراف پایگاه ارتش آمریکا به تظاهرات پرداختند. به گفته ی اهالی روستا، این گروهیان ارتش آمریکا بعد از قتل آنان ۱۱ **بدن مقتولین خود را از جمله ۴ دختر جوان کمتر از ۶ سال** را جمع کرده و آنها را به آتش کشید. البته مردم این روستا در دلشان خواهان تحقق حقوق بشر بودند و می خواستند اجرای عدالت در مورد این سرباز آمریکائی تحقق یابد. برخی از آنها از خودشان می پرسیدند مگر این سرباز آمریکائی در مدارس آمریکائی در مورد "حقوق بشر و ارزش دموکراسی مطالعه نکرده بود". پس چرا نوع تدریس حقوق بشر و تحقق دموکراسی به نحوی بود که افغان ها را به طور فجیعی به قتل رسانند! مگر فرهنگ دموکراسی در ممالک غربی نهادینه نشده بود؟!!

البته در همان چند روز پیش مثنی سربازان آمریکائی پس از کشتن چندین افغانی بر روی آنها ادرار کردند و آواز خواندند و باد از خودشان خارج کردند و از خودشان با افتخار و برای یادگاری با سینه های سپر کرده عکس گرفتند. آنها خطاب به اجساد می گفتند "براتون، همکاران، آرزوی روز خوبی می کنیم." "چه عالی، دوش بگیرید".

این سربازان قاطی نکرده بودند و بخشی از تفنگداران برگزیده ناوگان دریایی آمریکا بودند. چند روز قبل تر از آن باز سربازان آمریکائی با اجساد افغانها و سر بریده آنها به رسم یادگاری عکس گرفتند. چندی قبل تر از آن قبلی، همین کار را سربازان آلمانی کرده بودند و سرهای بریده را در جلوی جیبهای نظامی نصب کرده بودند و از خودشان با افتخار عکس گرفته بودند.

حتماً عزیزان، به خاطر می آورند که امپریالیستهای فرانسوی، آمریکائی و متحدان جنایتکار ناتو فسفر سفید و اورانیوم رقیق شده بر سر مردم بی دفاع افغانستان ریخته و هنوز هم می ریزند و روزی نیست که این لاشخوران بین المللی بر سر مرد بی دفاع بمب نریزند و آنها را به قتل نرسانند و عروسی را به عزا تبدیل نکنند....

حال مقایسه کنید که این رسانه های امپریالیستی تا چه اندازه این بربریت و جنایات شوم را پوشش تبلیغاتی داده و افکار عمومی را علیه "دول متمدن" بسیج نموده اند. حقیقت این است که ما شاهد هیچ آکسیونی در مقابل مقر سازمان ملل متحد و انعکاس آن در رسانه های بی بی سی و شرکا نبوده ایم. از سازمان های "اپوزیسیون" ایرانی که همین امروز در مقابل سازمان ملل متحد تجمع می کنند و خواهان دخالت این سازمان برای محکوم کردن برخوردهای وحشیانه به افغانها در ایران هستند، هیچ اعتراض سیاسی صورت نگرفت و از کنار این جنایات به سادگی گذشتند.... ریاکاری هم اندازه ای دارد!

از این رو باید به افشای حقوق بشرخواهی دروغین و ریاکاری رسانه های امپریالیستی و ایرانیان نان به نرخ روزخور و خودفروخته ای که به آلت دست امپریالیست ها تبدیل شده اند بپردازیم و تأکید نمائیم که حقوق بشر برای این کراواتی های متمدن دستاویزی است برای پیشبرد سیاست های استعماری آنها و مشروعیت بخشیدن به تحریم های جنایتکارانه ای اقتصادی و تجاوز نظامی به کشور ما.

حزب کارایران (توفان) هرگونه ضرب و شتم و تبعیض نسبت به برادران و خواهران افغانی در ایران را شدیداً محکوم می کند و برهمبستگی بین مردم ایران و مهاجرین افغانی پای می فشارد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که با اجرای سیاست فقه شیعه به تبعیض زنان و دیگر ادیان و اقوام می پردازد و یک رژیم ضد دموکراتیک و فاشیستی است نمی تواند تأمین کننده ی حقوق شهروندان ایرانی و مهاجرین افغانی باشد.

حزب کارایران (توفان) ضمن دفاع از حقوق مهاجرین افغانی هرگونه سوء استفاده ی سیاسی و تبلیغاتی توسط امپریالیست ها که این روزها در حال پختن آش "عراقی، افغانی، لیبیائی و سوریه ای و..." برای مردم ایران هستند، را قویاً محکوم می کند.

زنده باد همبستگی بین مردم ایران و مهاجرین افغانی!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!
دست امپریالیست ها از ایران و منطقه کوتاه باد!

سخن هفته

نقل از فیسبوک توفان

چهارم ژوئیه 2012

www.toufan.org

قرن بیست و یکم، قرن دروغ های بزرگ

آنجا که پای منافع به میان می آید، جعل و دروغ، جای حقیقت و راستی را می گیرد و به چنان فجایع جبران ناپذیر و هولناکی می انجامد که گاهی وقتها، عقل بشری از تحلیل و توضیح آن عاجز می ماند.

گر چه سراسر تاریخ جوامع طبقاتی و طبقات حاکم چیزی غیر از دروغ و ریاکاری و جنایت بر اساس آنها نیست

ولی، بزرگ ترین دروغ‌های تاریخ موجودیت بشر در قرن بیست و یکم با دروغ‌های "رسمی" پیرامون حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ واشینگتن و نیویورک آمریکا آغاز گردید و رفته رفته بر دامنه و وسعت آن، چنان افزوده شد که بهانه و مستمسک عوام پسندی برای شروع جنگ‌های امپریالیستی دائمی و مداخلات نظامی گستاخانه‌ی غرب در امور همه‌ی کشورها گردید. دروغ‌ها پیرامون حوادث واشینگتن و نیویورک چنان بزرگ بود که جهان امروز را به "رحمت خوانی" بر گوبلز، بزرگ ترین دروغ‌پرداز و شایعه ساز قرن بیستم مجبور ساخت. با این که جوزف گوبلز پس از ختم جنگ جهانی دوم خودکشی کرد ولی، راه و روش او، همواره از سوی پیروان غربی‌اش ادامه یافت و در تمام حوادث خطرناک جهان، از جمله در جنگ‌های شبه جزیره‌ی کره، ویتنام، در حادثه‌ی خلیج خوک‌ها و به طور کلی در همه‌ی جنگ‌های منطقه‌ای و کودتاهای نظامی، در کار تجزیه‌ی یوگسلاوی، در کشتار میلیونی مردم و ترور رهبران ترقیخواه کشورهای مختلف، مثل پاتریس لومومبا، عمر توریخوس، سالوادور آلنده، موریس بیشاب و بسیاری دیگر از سوی سازمان‌های امنیتی - جاسوسی غرب، به ویژه سازمان سیا و انتلیجنت سرویس و موساد به کار بسته شد. اگر چه حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ واشینگتن و نیویورک به سازمان تروریستی سیا ساخته‌ی "القاعده" نسبت داده شد. ولی صرف‌نظر از صحت و سقم آن، بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران سیاسی نیز این واقعه را، بدون دخالت و همیاری بخشی از سازمان‌های پلیسی - امنیتی آمریکا غیر ممکن ارزیابی می کنند.

مطالعات و تحقیقات بعدی هم نشان دادند که عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ طبق برنامه و طرح قبلی به اجرا در آمد. به ویژه این که طی این حوادث نه تنها برج‌های دوقلوی مرکز "تجارت جهانی" و ساختمان پنتاگون مورد هدف قرار گرفتند، حتی برج شماره ۷ نیز تخریب گردید، که رسانه‌های امپریالیستی و دولت بوش مانع از انتشار خبر آن شدند و دولت بعدی، دولت باراک اوباما نیز همچنان بر پوشیده ماندن اسرار آن اصرار می ورزد. چنین سیاستی شک بر انگیز است چرا که ادعای تخریب همه‌ی آنها، به خصوص، برج شماره ۷ در اثر برخورد هواپیماهای مسافری، با قوانین فیزیک همخوانی نداشت و این ظن را ایجاد می کند که این برج‌ها در اثر بمبگذاری تخریب شدند و در خوشبینانه ترین حالت، حتی اگر این کار به دست "القاعده"، ساخته و پرداخته‌ی سازمان‌های جاسوسی غرب هم صورت گرفته باشد، در اصل، به معنی آن است که به دست خود نهادهای پلیسی - امنیتی آمریکا به اجرا در آمدند. جالب توجه این که اگرچه درباره‌ی شمار کشته شدگان این حوادث تروریستی بیش از حد بزرگ نمائی شده ولی، اغلب قربانیان آنها را کارکنان غیر اداری تشکیل می دهد که در میان آنها نیز حتی یک نفر یهودی نسب هم وجود ندارد و خود این، به معنی آن است که همه‌ی عملیات، می تواند با هماهنگی و توافق نهادها و مجامع صهیونیستی صورت گرفته باشد. دروغ بزرگ دیگر قرن بیست و یکم این بود که بلافاصله بعد از حوادث تروریستی واشینگتن و نیویورک، انگشت اتهام به سوی "القاعده"ی سیا ساخته و رئیس معلوم الحال آن، اوسامه بن لادن نشانه رفت. چرا؟ پاسخ سر راست این چرا این است که هدف اشغال افغانستان و تبدیل این کشور به بزرگ ترین پایگاه نظامیان تروریست امپریالیسم جهانی، ناتو بود. زیرا، اختقای ساختگی اوسامه بن لادن ظاهراً از تعقیب سازمان سیا و حضور گسترده‌ی "القاعده" به عنوان یک سازمان مسلح تروریستی وابسته به سازمان‌های امنیتی - جاسوسی امپریالیسم جهانی، به خصوص آمریکا، انگلیس و اسرائیل در افغانستان، زمینه‌ی مساعدی برای اشغال هدفمند آن ساخته بود. چرا که افغانستان به عنوان یکی از مناطق استراتژیک مهم جهان، واقع در میان کشورهای هند، چین، آسیای مرکزی، روسیه و ایران، مکان بسیار مناسبی برای دست درازی‌های امپریالیسم به کشورهای اطراف آن به حساب می آید. به همین سبب هم از ده سال پیش، به اشغال نظامی غرب در آمده و اغلب مناقشات و درگیری‌های منطقه‌ای از آنجا اداره می شود.

دروغ بزرگ بعدی قرن بیست و یکم پس از دروغ‌های حوادث تروریستی واشینگتن و نیویورک، افغانستان و القاعده، در رابطه با عراق طراحی و شایع شد. پس از جنگ مشهور به "جنگ خلیج" در سال ۱۹۹۰ و اعمال تحریم‌های اقتصادی شدید علیه مردم عراق، که موجب کشته شدن بیش از ۶۰۰ هزار فقط کودک عراقی گردید، دروغ‌های مقامات و رسانه‌های امپریالیستی پیرامون وجود "سلاح‌های کشتار جمعی" در عراق، ابعاد کم سابقه‌ای به خود گرفت.

در مقابل فشارهای بی وقفه‌ی امپریالیست‌های آمریکا و اروپا به عراق، سازمان ملل متحد هیئت بازرسان تسلیحاتی خود را به سرپرستی هانس بلیکس به این کشور فرستاد. با این که نتایج بازرسی‌ها، دروغ پراکنی‌های بی وقفه‌ی کارگزاران غرب پیرامون وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق را ثابت کرد ولی، امپریالیست‌های مرتجع آمریکا و انگلیس، با سر هم بندی کردن دروغ دیگری، رژیم عراق را به فریب بازرسان متهم کرد و فشارها را تا آنجا ادامه داد که حتی عراق مجبور شد موشک‌های "ساموت ۲" را که گویا برد آنها ۱۰ کیلومتر بیش از "حد مجاز" بوده، با حضور بازرسان سازمان ملل متحد از بین ببرد. با این وجود، اشتباهی دروغ‌پردازان غربی سیر نشد و در ماه مارس سال ۲۰۰۳ عراق، پس یک دوره بمباران دیوانه وار، به اشغال کامل امپریالیست‌های آمریکا و اروپا در آمد و پس از آن نیز هیچ نوع "سلاح کشتار جمعی" در عراق یافت نشد. نکته‌ی جالب بسیار قابل تأمل و اغلب، فراموش شده در همین رابطه، این است که دیوید کلی، عضو انگلیسی هیئت بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل بیش از دیگر اعضای هیئت بر

دقت بازرسی‌ها و عدم وجود "تسلیمات کشتار جمعی" در عراق اصرار داشت اما وی پس از مدت کوتاهی، قربانی اصرارهای خود شد و او را "خودکشی" کردند. نتایج این دروغ بزرگ نیز چیزی نیست که بتوان کتمان و انکار یا توجیه و تعبیر کرد: کشوری کاملاً ویران، تجزیه شده، آشوب زده، گرفتار هرج و مرج، بدون دولت مقتدر و ارتش قادر به دفاع از حريم کشور، بیش از نیمی از جمعیت آن کشته، مجروح، معلول، آواره و بالاخره، بیکاری و بی خانمانی توده‌ای... که حتی پس از خروج ظاهری نظامیان اشغالگر و به جا گذاشتن ارتش‌های مزدور و تروریست‌های مسلح در سال ۲۰۰۹، هر روز را با انفجارهای تروریستی متعدد و کشتارهای جمعی پشت سر می گذارد. آخرین نمونه‌ی آنها، وقوع ۱۲۴ انفجار تروریستی در روز دوشنبه، ۲ مرداد ماه در شهرهای مختلف عراق بود که چندین صد نفر کشته و مجروح و ویرانی‌های عظیم در پی داشت.

پس از افشاء و رسوائی این دروغ‌ها، غرب امپریالیستی بدون کمترین شرمی، به دروغ پردازی‌های خود ادامه داد و اخلاف خبیث گوبلز و هیتلر قرن بیستم، موفق شدند سودان، بزرگ ترین کشور آفریقا را به آشوب کشیده، به دو "کشور" سودان شمالی و جنوبی تجزیه نمایند.

دروغ پردازی غربی‌ها در حادثه‌ی بمباران و اشغال لیبی شکل به شدت وقیحانه‌ای به خود گرفت. در سال ۲۰۱۱، بدون این که هیچگونه حرکت اعتراضی در هیچکدام از شهرهای لیبی صورت بگیرد، تروریست‌های مسلح تحت امر ناتو، ناگهان از شرق کشور به سوی بنغازی به حرکت در آمدند و ماشین تبلیغاتی غرب با دروغ پراکنی و انتشار صحنه‌های شبیه سازی شده در رسانه‌های تصویری، رژیم معمر قذافی را به «سرکوب و بمباران اعتراضات مسالمت آمیز مردمی» متهم کردند و در کوتاه ترین مدت با اخذ «مجوز» منطقه‌ی پرواز ممنوع از شورای امنیت سازمان ملل متحد، بلافاصله بمباران این کشور را آغاز و در عرض تقریباً ۶ ماه بیش از ۱۶۰ هزار از مردم آن را کشته، دولت را ساقط و پیشرفته ترین کشور آفریقا و خاورمیانه را به ویرانه تبدیل کردند.

پس از اشغال لیبی و ترور سبعانه معمر قذافی، در این کشور نیز مثل عراق که هیچ آثاری از سلاح‌های کشتار جمعی یافت نشد، هیچ نشانه‌ای از "بمباران و سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز مردمی" گویا توسط رژیم قذافی، به دست نیامد و هیچ کسی هم به خاطر این دروغ پراکنی‌ها و صحنه سازی‌ها به دست نهادهای قضائی بین‌المللی سپرده نشده است.

امپریالیست‌های غرب، پیش از آن که از دریدن جنازه‌ی لیبی دست بردارند، دروغ‌ها و صحنه سازی‌های خود در این کشور را، عیناً علیه سوریه به کار گرفتند. هم اکنون بیش از ۱۷ ماه است که در سوریه می‌جنگند. نیروگاه‌های برق، خطوط انتقال نفت و گاز، اماکن مسکونی و دولتی و غیره را منفجر می‌کنند. به منظور تحریک افکار عمومی، افراد غیرنظامی، بخصوص زنان و کودکان را عمدتاً در روستاها و شهرهای کوچک و کم جمعیت به فجیع ترین شکل قتل عام می‌کنند. فجایع روستاها و شهرک‌های حولا، قصیر، حمص، حماه و بسیاری دیگر نمونه‌ی آشکار شقاوت و صف ناپذیر غرب در سوریه هستند. در این کشور نیز مثل لیبی و بر خلاف افغانستان و عراق، به جای ارتش نظامی، با استفاده از ارتش‌های خصوصی و تروریست‌های مزدور، آتش جنگ علیه مردم و دولت آن را برافروخته‌اند و جنگ خانمانسوز هم چنان ادامه دارد و تاکنون تلفات انسانی و خسارات عظیمی به کشور و مردم سوریه وارد آورده‌اند.

جنگ روانی - تبلیغاتی، دروغ‌ها و تحریکات پیرامون برنامه‌ی هسته‌ای ایران و ترویج ایران هراسی، بخش لاینفک همان سیاست مبتنی بر دروغ و جعل غرب است که از ۱۰ سال پیش شروع شده و اگر پوزه‌ی تروریسم غرب، به ویژه در سوریه به خاک مالیده نشود، ایران، میدان بعدی جنگ‌های استعماری خواهد بود. جنگ‌های مرئی و نامرئی، دروغ‌های بزرگ و جعل اکاذیب در بسیاری از کشورهای جهان با شدت و حدت خارج از تصویری ادامه دارد و تنها به موارد مذکور فوق خلاصه نمی‌شود. زیرا، کل نظام غیرانسانی سرمایه‌داری، به ویژه کشورهای امپریالیستی، در ورطه‌ی هلاکت‌بار بحران ساختاری، خود سخت گرفتار آمده و سران بی سران آن سعی می‌کنند با جنگ و ایجاد هرج و مرج، بحران اجتماعی - اقتصادی "نظام" را به کشورهای حاشیه‌ای صادر کنند. نکته‌ی آخر این که مردم مناطق اسلامی جهان باید این واقعیت را مورد توجه قرار دهند که کشورهای امپریالیستی برای انتقال بحران به بیرون از خود، در جنگ‌های استعماری قرن بیست و یکم به جای علامت "SS" نازی‌ها، آرم "AA" (الله آگبار) به بازوی تروریست‌های مزدور خود بسته‌اند.

ضد انقلاب در سوریه



آنچه امروز در سوریه می‌گذرد انقلاب نیست. جوششی از درون جامعه برای آزادی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال نیست. **ضد انقلاب است.** "اپوزیسیون شورای ملی و ارتش آزاد سوریه" که همه جانبه مورد حمایت مادی و معنوی امپریالیست جنایتکار آمریکا و ممالک ارتجاعی عربی و رژیم ترکیه قرار می‌گیرد با خواسته‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل نیز تطابق دارد. استعمارگران می‌خواهند حکومت سوریه را از درون متلاشی... سازند، زیرا این تلاشی در جهت مصلحت اسرائیل است که با خالی شدن پشت جبهه‌ی ایران تجاوز نظامی به کشور ما سهل تر متحقق گردد.

دولت‌های غربی به ویژه آمریکا در جهت این مصلحت حرکت می‌کنند و نه در جهت برقراری آزادی و دموکراسی که مردم سوریه مستحق آن هستند. نیویورک تایمز ۲۱ ژوئن خبر داد که افسران سازمان جاسوسی آمریکا در جنوب ترکیه به سازماندهی فراریان و خود فروختگان سوری می‌پردازند و عربستان سعودی نیز حقوق ماهیانه‌ی "ارتش آزاد سوریه" را تأمین می‌کند. خبرهای دیگر حاکیست که دولت متجاوز و نژادپرست اسرائیل نیز از طرق مختلف به "اپوزیسیون سوریه" و "ارتش آزاد" سوریه یاری می‌رساند.... تمام رسانه‌های امپریالیستی با امکانات سرسام آورشان عزمشان را جزم کرده تا سناریوی لیبی را در سوریه متحقق سازند. آنها بیش‌رمانه فرمان استعفا و پناهنده شدن بشار اسد را در بوق و کرنای خود می‌دمند و به شستشوی مغزی افکار عمومی می‌پردازند. این رسانه‌های امپریالیستی از هیچ جعل و دروغی برای تحقق اهداف استعماری در سوریه دریغ نمی‌ورزند و یک صدا از "انقلاب" سوریه دفاع می‌کنند.

حال نیروهائی که چشم بر این همه واقعیات می‌بندند و اراجیف آمریکا و اسرائیل درمورد "انقلاب" سوریه را تکرار می‌کنند، یا مشتکی جاهل و نادان هستند و یا مزدوران جیره خوار امپریالیست در ایران و منطقه.

حزب ما بارها تحلیل کرده است، امپریالیست‌ها در پی آن هستند که رژیم گماشته‌ای نظیر رژیم لیبی را که گوش به فرمان آمریکا باشد بر مسند قدرت بنشانند. سیاست راهبری امپریالیست آمریکا هژمونی بلامنازع در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس و کنترل کامل منابع نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی است. "شورای ملی سوریه و ارتش آزاد آن" وسیله‌ای است در دست امپریالیست‌ها برای تحقق چنین هدف ارتجاعی.

ما بارها تأکید کرده‌ایم که خلق سوریه حق دارد خودش بر سرنوشتش تصمیم بگیرد. مبارزه‌ی مردم سوریه برای آزادی و عدالت اجتماعی بدون پیوند با مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بی‌معنی است و راه به جایی نخواهد برد. این امر در مورد کشور ما ایران نیز صادق است و چشم پوشی از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی، به دام امپریالیست‌ها در غلطیدن است و بس.

به زیرکشدن رژیم بشار اسد و هر گونه تغییر و تحولی در این کشور یک وظیفه‌ی درونی است و بر نیروهای انقلابی و مترقی ایرانی است که قاطعانه توطئه و دخالت جهانخواران بین‌المللی و مزدوران منطقه‌ای شان در امور داخلی سوریه را محکوم کنند و ضد انقلاب آمریکائی - صهیونیستی اپوزیسیون "شورای ملی و ارتش آزاد سوریه" را افشا سازند.

دست امپریالیست‌ها از سوریه کوتاه باد!

نقل از فیسبوک توفان حزب کارایران

سخن هفته

چهارشنبه ۱۱ ژوئیه

www.toufan.org

تروریسم خوب و تروریسم بد

در حاشیه‌ی عملیات تروریستی در دمشق



امپریالیست‌ها تروریسم را به بد و خوب تقسیم کرده‌اند. آن تروریسمی که به نفعشان باشد، تروریسم خوبی است، از آن دفاع می‌کنند و در یک کارزار رسانه‌ای آن را به عنوان یک "امر رهاییبخش که عین آزادی و حقوق بشر" است، به خورد افکار عمومی می‌دهند. مثلاً عملیات تروریستی در دمشق توسط جریانات القاعده و مزدوران امپریالیست برای سرنگونی رژیم بشار اسد امر خوبی است و می‌تواند اجلاس شورای امنیت سازمان ملل را برای یک رأی گیری مثبت و حمله‌ی نظامی به سوریه ترغیب کند.... و سرانجام "آزادی" را برای مردم به ارمغان آورد... چنین تروریسمی خوب است!.

اما ترور در عربستان علیه رژیم وهابی و نوکر آمریکا امر بدی است زیرا منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد، زیرا نفت عربستان پشته‌ی دلار آمریکاست... لذا رسانه‌های امپریالیستی این ترور را محکوم می‌کنند زیرا "مغایر حقوق بشر است".... چنین تروریسمی بد است!.

ریاکاری امپریالیست‌ها حد و مرزی ندارد. فقط کسانی چنین ریاکاری‌های سیاسی و اغواگرانه را می‌پذیرند که نادان و جاهل و یا جیره خوار امپریالیست‌ها باشند.

انفجار بمب در دمشق و عملیات تروریستی در سوریه، سناریویی است از طرف امپریالیست آمریکا و متحدینش برای سرنگونی رژیم سوریه و گماردن رژیمی همانند رژیم لیبی و یا نظیر آن برای تأمین منافع استراتژیک آمریکا و اسرائیل در منطقه. این هیاهوی امپریالیستی و عملیات تروریستی در سوریه هیچ ربطی به آزادی و دموکراسی و حقوق بشر ندارد و از منظر حزب ما به شدت محکوم است.

**مرگ بر امپریالیست آمریکا این بزرگترین تروریست دولتی جهان!
دست امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها از سوریه کوتاه باد!**

نقل از فیسبوک توفان

چهارشنبه ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۲ - ۲۸ تیر ۱۳۹۱

حزب ما بارها تحلیل کرده است، امپریالیست‌ها در پی آن هستند که رژیم گماشته‌ای نظیر رژیم لیبی را که گوش به فرمان آمریکا باشد بر مسند قدرت بنشانند. سیاست راهبری امپریالیست آمریکا هژمونی بلامنازع در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس و کنترل کامل منابع نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی است. "شورای ملی سوریه و ارتش آزاد آن" وسیله‌ای است در دست امپریالیست‌ها برای تحقق چنین هدف ارتجاعی.

ما بارها تأکید کرده‌ایم که خلق سوریه حق دارد خودش بر سرنوشتش تصمیم بگیرد. مبارزه‌ی مردم سوریه برای آزادی و عدالت اجتماعی بدون پیوند با مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بی معنی است و راه به جایی نخواهد برد. این امر در مورد کشور ما ایران نیز صادق است و چشم پوشی از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی، به دام امپریالیست‌ها در غلطیدن است و بس.

به یاد رفیق بهرام رازی



رفیق بهرام رازی با نام مستعار جمال، در یک خانواده‌ی متوسط و شریف چشم به جهان گشود. در دوران تحصیل، فردی با استعداد بود و در همه‌ی کارهایش پشتکار فوق‌العاده‌ای داشت. با اوج گیری مبارزات خلق ستمدیده‌ی ایران در سال ۵۷ رفیق به همراه برادر و یکی از هم‌زمانش فعالیت گسترده‌ی خود را در سطح مدارس بجنورد آغاز کرد و در بسیج دانش آموزان مدارس برای تظاهرات و میتینگ و افشاگری علیه رژیم مزدور شاه فعالیت چشمگیر داشت.

رفیق بهرام رازی به کمک برادر قهرمانش رفیق نادر رازی با افکار مارکسیستی آشنا شد و پس از مطالعه در اوایل ۵۸ حزب کار ایران را تنها تشکل به حق کمونیستی یافت. از این رو با عشقی وصف ناپذیر فعالیت انقلابی خود را در حزبمان آغاز نمود. سرانجام مدت‌ها پس از آموزش‌های لازم توانست با شهادت و سرافرازی به افتخار عضویت در حزب نائل آید.

شور و عشق بی‌پایانش به توده‌های رنج و کار سبب شد تا رفیق برای کمک به آنها عاشقانه به میانشان بشتابد و برای با سواد کردن زحمتکشان به محلات فقیر نشین شهر می‌رفت و با جان و دل در این راه می‌کوشید. از این رو در قلب مردم جای ویژه‌ای داشت. رفیق بهرام به کمک دیگر رفقا برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی دهقانان محروم و رنجیده و هم چنین برای افشای هر چه بیشتر عملکردهای رژیم مدافع فئودال‌ها و سرمایه‌داران، اقدام به پخش نشریه‌ی "اتحاد دهقانان" می‌نمودند که نقش بسیار مثبتی در این زمینه ایفا نمود. رفیق خطاط و نقاش زبردستی بود. در تظاهرات و میتینگ‌ها اکثر پلاکاردهای حزب را می‌نوشت. بسیاری از رفقای حزبی برای آموزش خطاطی و نقاشی پیش او می‌رفتند و او با صبر و حوصله و بردباری به همه آموزش می‌داد. گرچه خودش در میان مردم شهر نیست، اما شعارهای خوش خط و زیبایی که بر در و دیوار شهر تا مدت‌ها باقی مانده بود، حکایت از عشق و ایمان او به خلق شریف و رزمنده‌ی میهن می‌کرد. رفیق بهرام نویسنده‌ی توانائی بود و در این زمینه به حزب کمک‌های زیادی نمود. رفیق یار با وفای رفیق شهیدمان یدالله، در یک روز به حزب معرفی شدند و قلب عاشق و تبیده‌شان به خلق و آزادی میهن، توسط دژخیمان جمهوری اسلامی در یک روز از کار افتاد.

رفیق بهرام در مرداد ۶۰ در یک مأموریت حزبی دستگیر شد. او در مقابل دشمنان خلق، چون کوه استوار ماند و شکنجه‌های مزدوران خمینی نتوانست کوچک‌ترین خلی در عزم آهنینش به وجود آورد. او رفت اما راز خلق نگفت و دفتر عشق او ایمان به حزب پرولتاریا را برای دشمنان خلق باز نکرد. در زندان همواره روحیه‌ی خود را حفظ نمود و به خاطر "توبه نکردن" مورد خشم و کین جلادان قرار گرفت. بارها به دلیل تسلیم ناپذیری به سلول انفرادی برده شد ولی قهرمان ما با کینه‌ی طبقاتی و خشم انقلابی به دشمنان سیه دل و اعتقاد و ایمان به حزب پرولتاریا و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم، شکنجه‌های قرون وسطائی را تحمل کرد. عشق و ایمان به پیروزی خلق سبب شد که حتی در زندان هم دست از مبارزه برندارد. او به همراه رفقای شهید یدالله و رضا، هسته‌ی حزبی داخل زندان را به وجود آوردند و مصمم بودند که حتی به قیمت جانشان نگذارند ارتجاع بر زندان حاکم گردد و اراده‌ی زندانیان را در هم شکنند. بعد از یک سال که رژیم به عظمت و نقش انقلابی رفقا پی برد، در پی شکنجه‌ی وحشیانه، رفقای سه گانه ما را در یک بیدادگاه فرمایشی مجدداً محاکمه و حکم اعدام آنها را صادر می‌نماید. سحرگاه خونین یکشنبه ۱۴ شهریور، سه مبارز خستگی ناپذیر، سه عقاب تیز پرواز و سه امید و عشق توسط مزدوران رژیم خمینی تیرباران می‌شوند. رفیق بهرام قبل از اعدام، به حزب پیام فرستاد که با قدرت هر چه بیشتر راهشان را ادامه دهیم.

خوشا که مبارزه و نفرت خلق و فرزندان دلاورشان با اعدام و در بند نمودن آزادیخواهان پایان نمی‌یابد.

جاودان باد خاطره‌ی توفانی شهید رفیق بهرام رازی

در افشای سازمان مجاهدین

"ما اونی که بودیم، دیگه نیستیم". برگرفته از گفتار مهدی ابریشمی یکی از رهبران سازمان مجاهدین بعد از ازدواج ایدئولوژیک همسرش با مسعود رجوی. سخن آقای ابریشمی درست است. دیگه آنها آن سازمان مجاهدین که مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم را جز افتخاراتش می دانستند، نیستند. امروز همکاری و نوکری برای امپریالیسم و صهیونیسم اسرائیل برای بمباران ایران، جزء افتخاراتشان است. این سازمان امروز چنین ننگی را بر می تابد و به گذشته اش تف می ریزد.

سرنوشت همه ی کسانی که دورنمای مبارزه را از دست داده اند و در اتحاد با عفریت بیرونی برای زدن عفریت داخلی چشم دوخته اند همین است. شکست و سرافکندگی.



پاسخ یکی از فالانترهای فریب خورده ی مجاهدین در فیسبوک

"توده ای و کمونیست، کثیف تر از دیگران شما نیست. بلایی که بلوک به اصطلاح شرق چین و روسیه سر ملت ها آورده، یادتان رفته دیگه شما جوجه کمونیست ها و التقاطی ها دم از مبارزه با امپریالیسم نزنید.."

از اینکه آماس رگ حضرت عالی از افشای ما درمورد همکاری مشمنز کننده ی سازمان مجاهدین با رژیم صهیونیستی اسرائیل و امپریالیست آمریکا برای سرنگونی رژیم اسلامی ایران بیرون زده، مسروریم. زیرا شما گویا از آن دسته از مجاهدین هستید که هنوز باورتان نمی شود که مجاهدین امروزی ادامه دهنده ی راه حنیف نژادها، سعید محسن ها، بدیع زادگان ها، رضائی ها... نیستند. سازمان مجاهدین کنونی فرسنگ ها با آمال میهن پرستی و استقلال طلبی مجاهدین انقلابی و میهن دوست فاصله دارد. مجاهدین امروزی با اسرائیل برای ترور دانشمندان ایرانی همکاری کرده و می کند و بدان افتخار هم می کند. مجاهدین کنونی موافق تحریم اقتصادی علیه ی مردم ایران است. مجاهدین مشوق تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران است. و به همین دلیل از جمهوری خواه جنگ افروزی بنام نوت گینگریچ دعوت به عمل آورد تا از طریق وی پیام مجاهدین را به دولت آمریکا برساند که این سازمان موافق تجاوز به ایران و همانند چلبی عراقی و مزدوران لیبیائی و افغانی نظیر آقای کرزای حاضر به خدمت است...

حال یا شما موافق سیاست و برنامه ی سازمان مجاهدین هستید و یا مخالف. اگر مخالف آن هستید نباید از افشاگری حزب ما و دیگر دوستان برافروخته شوید بلکه باید صمیمانه به اردوی میهن دوستان به پیوندید. فراموش نکنید که این فقط کمونیست ها نیستند که مخالف تجاوز نظامی و تحریم اقتصادی علیه ی مردم ایران هستند بلکه همه ی ایرانیان دموکرات و مترقی و ملی و میهن دوست و همه ی مردم صلح دوست جهان مخالف تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران هستند و هر تغییر و تحول سیاسی در ایران را وظیفه ی داخلی مردم ایران می دانند و نه اجانب. کسی که علیه ی امپریالیست و صهیونیست موضع نگیرد و سرنگونی رژیم ارتجاعی اسلامی را وظیفه ی مردم ایران نداند، چه به خواهد و چه نخواهد به اردوی جهانخواران بین المللی پرتاب خواهد شد. سرنوشت مجاهدین بسیار غم انگیز است. از سیاست های ویرانگران درس بگیرید و به مردم ایران ببیونید.

http://www.youtube.com/watch?v=YB7yVp_tBxQ

فیلم استقبال بیشرمانه ی سازمان مجاهدین از نوت گینگریچ را تماشا کنید. سند خیانت به ملت ایران و همه ی آزادیخواهان مستقل و ملی است.

طبقه‌ی کارگر پرچمدار مبارزه برای دموکراسی

ضد کمونیست‌ها دشمنان آزادی و دموکراسی

تعمیق دموکراسی و کشش به سمت طبقه‌ی کارگر شرط تضمین هر حقوق دموکراتیک دیگری است. ولی برای کشیدن کارگران به مبارزه باید از حقوق آنها دفاع نمود. باید پذیرفت که طبقه‌ای به نام طبقه‌ی کارگر وجود دارد، باید پذیرفت که مبارزه‌ی طبقاتی وجود دارد، باید پذیرفت که خصوصی سازی، لیبرالیسم دشمن طبقه‌ی کارگر است. باید پذیرفت که جامعه باید به سمت سوسیالیسم پیش رود. باید پذیرفت که بورژوازی دشمن کمونیسم و هواداران کارل پوپرها و اندیشمندان ضد کمونیست، دشمنان مردم ایرانند. باید هویت طبقه‌ی کارگر را به رسمیت شناخت، پذیرفت که ثروت جامعه ناشی از بهره کشی از طبقه‌ی کارگر است. تنها با این دید است که می شود با طبقه‌ی کارگر پیوند برقرار کرد و برای تحقق دموکراسی مبارزه کرد.

همه‌ی کسانی که هم و غمشان این شده که خطابه‌های بالا بلند ضد کمونیستی امضاء کنند و افکار روشنفکران گمراه را بر ضد کمونیست‌ها و هواداران طبقه‌ی کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا بسیج کنند، بدترین مستبدین هستند که هرگز قادر نخواهند بود کار مبارزه‌ی دموکراتیک را به پایان برسانند. همه‌ی آنها که به پرولتاریا نه به مثابه‌ی طبقه‌ای مستقل که باید حزب خودش را داشته باشد نگاه کرده بلکه پرولتاریا را چرخ پنجم بورژوازی می دانند دشمنان دموکراسی در ایران هستند. همه‌ی آنها که می خواهند با تکیه بر جنبش سبز از بالای سر پرولتاریا و بدون حضور پرولتاریا دموکراسی مذهبی یعنی دموکراسی بین خودشان را در گفتمان‌های مذهبی خویش به وجود آورند، مستبدهای کلاشی هستند که نه هوادار کارگران هستند و نه از دموکراسی دفاع می کنند. همه‌ی آن روشنفکران توبه کاری که شکنجه نشده از مارکسیسم توبه کردند و کارل پوپرها را ذکر گرفتند و هر روز و هر شب قبل و بعد از غذا و قضای حاجت انزجار خویش را از خشونت مردم و نه خشونت حاکمیت ابراز می دارند و هوادار دموکراسی سلطنت طلبی شده‌اند بدترین مستبدینی هستند که با اوج مبارزه و تشدید تضادها باید ماهیت خویش را نشان دهند و قادر نخواهند بود به بندبازی سیاسی ادامه دهند.

تشدید مبارزه، خطوط جبهه‌ی انقلاب و ضد انقلاب را روشن می کند. باید از اعتصاب کارگران برای حقوق دموکراتیک حمایت کرد، باید از آزادی احزاب به ویژه احزاب کارگری و کمونیستی حمایت کرد، باید از آزادی مطبوعات به ویژه مطبوعات کمونیستی حمایت کرد، باید هوادار آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی و به ویژه زندانیان کمونیست بود که بیش از همه‌ی زندانیان در اسارت بورژواها و مستبدین بوده‌اند. برخورد به کمونیست‌ها معیار روشن ماهیت دموکراتیک جریان‌ها و یا افراد است. جنبشی که چنین دیدی، چنین برداشتی از مبارزه و برخورد به طبقه‌ی کارگر نداشته باشد قادر نیست طبقه‌ی کارگر را به صحنه بکشد و به عنوان متحد وی عمل کند. این جنبش خودش در مبارزه‌ی دموکراتیک منزوی می گردد. در دنیای امپریالیسم هرگز نمی شود مبارزه‌ی دموکراتیک را بدون پیوند زدن آن با مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و بدون توجه به بسیج طبقه‌ی کارگر به پیش برد. این یکی از نقاط ضعف جنبش طبقه‌ی مرفه و متوسط کنونی جامعه‌ی ایران است که به جنبش سبز معروف شده است.

گرانی مرغ و رونق کباب گنجشک



"اگر این روزها سری به بازار اهواز و البته برخی شهرهای دیگر استان بزنید، می بیند که دست فروشانی حضور دارند که گنجشک‌های سلاخی شده را به سیخ کشیده‌اند و در سینی‌هایی در معرض فروش مردم قرار می دهند. این در حالی است که برخی از مردم از دیدن چنین صحنه‌هایی شگفت زده و ناراحت می شوند و برخی دیگر با پرداخت

پول آنها را تبدیل به لقمه‌های خوشمزه می‌کنند.

برخی آنها را کباب می‌کنند؛ برخی به عنوان گوشت در خورش استفاده می‌کنند و برخی هم آنها را سرخ می‌کنند؛ ولی همه‌ی این‌ها باعث شده تا ادامه‌ی نسل گنجشک‌ها که بی‌آزارترین پرندهای دور و بر ما هستند، با خطرات جدی مواجه شود.

جالب این که به علت جثه‌ی کوچک گنجشک‌ها، تهیه‌ی غذائی از آنها باعث نابودی شمار فراوانی از این پرنده می‌شود. برای نمونه، برای یک وعده غذائی معمولی یک فرد که البته پرخور هم نباشد، دستکم ۲۰ گنجشک باید شکار و کشته شوند که می‌توان نتیجه گرفت برای یک وعده‌ی غذائی یک خانواده‌ی پنج نفری ۱۰۰ گنجشک باید شکار شوند.

خوردن گنجشک‌ها که روز به روز طرفداران فراوانی پیدا می‌کند، ادامه‌ی زندگی این پرنده را تهدید می‌کند؛ زیرا هم فروشندگان آن در حال افزایش هستند و هم شمار شکار آن حتی کار به جایی رسیده که برخی از فروشندگان، شرمندگی مشتریان خود در بعدازظهرها می‌شوند زیرا گنجشکی برای فروش به آنها ندارند.

در گذشته مردم لانه کردن گنجشک در خانه‌ای را نشانه‌ی ورود خوشبختی و خیر و برکت به آن خانه می‌دانستند؛ ولی حالا چه تغییری در زندگی آدم‌ها پیش آمده که این پرنده‌ی کوچک خوشبختی نیز ...

خانمی که در بازار نادری اهواز روزانه شمار فراوانی گنجشک می‌فروشد در حالی که با مهارت و سرعت خاصی پره‌های گنجشک‌ها را از بدن آنها جدا می‌کند و به سیخ می‌کشد در این خصوص می‌گوید:

"مردم روز به روز استقبال فراوان تری از این گنجشک‌ها می‌کنند و من در روز بیش از هزارتا از آنها را می‌فروشم." وی در خصوص این که معمولاً مشتریان از چه قشری هستند، می‌گوید:

"فرقی نمی‌کند؛ این پرندوها طرفداران زیادی دارند. از مردم بالای شهر مشتری دارم. از مردم پائین شهر که با چانه زنی خود امان ما را بریده‌اند نیز مشتری دارم. جدیداً بالا شهری‌ها برای کلاس، گذاشتن این پرندوها را می‌خرند و جلوی میهمان خود می‌گذارند.

شیوه‌ی فروش گنجشک در اهواز

این فروشنده در خصوص این که این گنجشک‌ها در کدام مناطق صید و شکار می‌شوند، نیز می‌گوید: شهرستان دزفول بیشترین حجم شکار گنجشک را به خود اختصاص داده و معمولاً بیشتر آنها از این شهر آورده می‌شوند؛ ولی در اغلب شهرهای استان خوزستان همانند شوشتر و حمیدیه شکار گنجشک نیز صورت می‌گیرد.

این پرندوها معمولاً به وسیله‌ی یک توری بزرگ که روی آن گندم یا سایر مواد خوردنی می‌گذارند و با کشیدن ناگهانی آن، صید می‌شوند تا غذای مردمی شوند که برای کلاس گذاشتن این پرنده را در سفره‌ی غذائی خود می‌گذارند. یکی از فروشنده‌های دیگر اهواز نیز در این خصوص می‌گوید:

"از وقتی مرغ گران شده فروش گنجشک بالاتر رفته، به گونه‌ای که عرصه‌ی گنجشک جوابگوی تقاضای بی‌شمار و رو به افزایش مردم نیست."

وی همچنین می‌گوید:

"کار من چون شامل یک سینی و یک گونی (کیسه‌ی مخصوص آرد) است، مزاحمت چندانی برای کسی ایجاد نمی‌کند و معمولاً از جایی به ما برای عدم کار کردن تذکر نداده‌اند، ضمن این که اگر هم روزی قرار است مانع کار ما شوند به راحتی جابه‌جا می‌شویم؛ ولی ما مشتری داریم و حتی به صورت تلفنی هم سفارش می‌گیریم!"

اما شکار بی‌رویه‌ی گنجشک باعث خطرات فراوانی برای این پرندوها شده، به گونه‌ای یک کارشناس حیات وحش در این خصوص عنوان می‌کند:

"شکار بی‌رویه‌ی گنجشک در شهرستان دزفول عامل تغییر جثه‌ی این پرنده شده است."

مونا قدسی می‌گوید:

"طبق مطالعات انجام گرفته در ارتباط با زیست سنجی گنجشک معمولی در شهرستان دزفول در استان خوزستان، اختلاف معنی داری در برخی از متغیرهای کمی مربوط به بیومتری این گونه، از جمله طول بدن و وزن بدن، در مقایسه با مناطق دیگر مشاهده شده است که این می‌تواند به دلیل مصرف غذائی بیش از حد گنجشک در جوامع انسانی شهرستان دزفول باشد."

وی تصریح می‌کند:

"پرنده‌گانی نظیر گنجشک به دلیل قدرت سازگاری زیاد، دامنه‌ی بردباری وسیع و تنوع رژیم غذائی، دارای پراکنش وسیعی هستند و در مناطق مسکونی، زمین‌های زراعی، باغ‌ها و عموماً در جوار محل زندگی انسان‌ها به سر می‌برند."

قدسی می‌گوید:

"شهرستان دزفول با داشتن آب و هوا و پوشش گیاهی مناسب، شرایط مناسبی برای رشد کافی این پرنده را دارد بنابراین تنها موردی که می‌تواند کاهش جثه‌ی این پرنده را در پی داشته باشد، شکار بیش از حد است. شکار این پرنده در دزفول توسط صیادان و مردم محلی به حدی زیاد است که پرندگان صید شده به شهرستان‌های مجاور نیز توزیع می‌شود."

این کارشناس حیات وحش تصریح می کند:

"نتایج تحقیقات حاکی از آن است که شکار و فشار صیادی بی رویه در دزفول منجر به کاهش جنه گونه‌ی گنجشک شده و ادامه‌ی این روند در طولانی مدت، بدون مدیریت صحیح منجر به کاهش جمعیت این پرنده خواهد شد؛ در نتیجه بایستی برنامه ریزی اصولی و مدیریت صحیح در ارتباط با شکار این پرنده در دزفول انجام پذیرد."

گنجشک‌ها پرندگانی هستند کوچک با منقار کلفت و مخروطی و پا‌های نسبتاً کوتاه که اغلب پر و بال رنگارنگ ندارند. بیشتر به صورت اجتماعی به سر می برند و به طور دسته جمعی زاد و ولد می کنند و پروازی نیرومند ندارند. گنجشک معمولی به طول ۱۴ تا ۱۵ سانتیمتر است. گنجشک نر تارک خاکستری پررنگ پس گردن بلوطی، گلوی سیاه، گونه و سطح شکمی سفید مایل به خاکستری است. در پرواز خط بالی کوتاه و نسبتاً واضح و دمگاه خاکستری دارد. پرنده‌ی ماده و نا بالغ فاقد سیاهی گلو در سطح پشته قهوه‌ای تیره و در سطح شکمی سفید چرک است. زیستگاه گنجشک‌ها مناطق مسکونی، کشاورزی است و به ندرت دور از محل آدمی زندگی می کنند. در سوراخ‌ها و پرچین‌ها، روی شاخه‌های درخت و در مناطق مختلف لانه می سازند. گنجشک امروزه تقریباً در همه جای دنیا یافت می شود. بیشتر گنجشک‌ها آوازی دل‌فریب و موزیکال دارند. اغلب گنجشکان لانه‌ی خود را در بوته زارها و علفزارها می سازند، اما نوعی گنجشک لانه‌اش را در جاهای بلندتری نسبت به گنجشکان دیگر می سازد. گاهی لانه را بر فراز درختان همیشه سبز تا هشت متر ارتفاع می سازد. لانه‌ی آنها از خار و خاشاک و الیاف گیاهی، و گاهی از شاخه‌های کوچک درختان است.

موسم تخم گذاری گنجشک‌ها معمولاً از نیمه‌ی فصل بهار آغاز می شود و تا اواخر پائیز ادامه دارد. گنجشک ماده از چهار تا شش تخم سفید رنگ با علائم سرخ - قهوه‌ای می گذارد. گنجشک‌هایی که در نواحی معتدل به سر می برند، گاه با فرا رسیدن پائیز و زمستان به سوی نواحی گرم مهاجرت می کنند.

به هر حال در حالی که حیات وحش روز به روز در حال دور شدن از زندگی ماشینی آدم‌ها است تنها گنجشک‌ها به دلیل قدرت بالای آنها در کنار آمدن با شرایط محیطی هستند که با جست و گزیر و آوازشان برخی اوقات روحی تازه به کالبد زندگی خشک آدم‌ها می دمند ولی تداوم شکار بی رویه‌ی آنها برای لذت چند لحظه‌ای شکستن استخوان های ظرفیت این پرنده‌ی کوچک خوشبختی، شاید به زودی دیدن پرواز گنجشک‌ها در خیابان و کوچه را نیز به حسرت تبدیل کند.

برگرفته از "مهر" ۶ مرداد ماه ۱۳۹۱

درباره‌ی اعتصاب درخشان کارگران معدن

حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)

۶ ژوئیه ۲۰۱۲



بیش از ۱۰۰ هزار کارگر معدن از چند هفته، حرکتی به نام "راه پیمائی سیاه" را آغاز کرده، به مادرید، پایتخت اسپانیا رسیدند و مورد استقبال پر شور مردم قرار گرفتند. آن‌ها نزدیک به ۴۰۰ کیلومتر مسافت را از بخش‌های شمالی اسپانیا تا پایتخت پشت سر گذاشتند و با طرح مطالبات خود نظیر لغو ریاضت اقتصادی توسط سرمایه‌داران و حامی آن

دولت حاکم، اضافه دستمزد، مخالفت برای بالا بردن سن بازنشستگی، اشتغال و مبارزه علیه بیکارسازی.... و در یک کلام مخالفت با سیاست‌های نئولیبرالی اتحادیه‌ی اروپا که توسط بورژوازی اسپانیا اجرا می‌گردد، بوده است. بحران جاری بحران اسپانیا و یا بحران یونان و یا برتقال نیست. این بحران، بحران سرمایه‌داریست و مبارزات قهرمانانه‌ی پرولتاریای یونان و، اسپانیا علیه‌ی کلیت سیاست ویرانگرانه و مخرب بورژوازی امپریالیستی است. مطلب زیر برگرفته از ارگان سیاسی حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست) است که به علل این بحران می‌پردازد. مطالعه‌ی این مطلب جهت شناخت بیشتر از اوضاع کارگران معدن اسپانیا و افشای نقش خائنانه‌ی جناح‌های مختلف بورژوازی مفید خواهد بود.

* * * * *

"اعتصاب یک ماهه‌ی کارگران معدن اسپانیا، علیرغم آن که رسانه‌ها سعی کردند شهادت و از خودگذشتگی کارگران را از دید مردم پنهان کنند و یا آب سرد بر آن بپاشند، حمایت وسیعی از بخش‌های دیگر طبقه‌ی کارگر را با خود همراه داشت. کارگران معدن ذغال اسپانیا در ۳۰ سال گذشته در پای منافع الیگارش‌ی اسپانیا و سرمایه‌ی جهانی در چهارچوب کمیسیون اروپا و رهبرانی همچون آنگلا مرکل قربانی شده‌اند. امروز مانند دیروز، به بهانه‌ی فشار برای تنظیم بودجه‌ی سالانه و در اشکال مختلف مانند کاهش دستمزدها، حقوق اجتماعی و استراتژیک کارگران حذف می‌گردند. این سیاست توسط منافع طبقاتی دیکته می‌شود و نه آن طور که توسط پ.پ. (P.P.) (حزب مردم اسپانیا - محافظه کار و حزب حاکم) و پی‌سو (PSOE)، (حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا - حزب سابقا حاکم) بیان می‌شوند و در جامعه تبلیغ می‌گردد. کاهش ۱۹۰ میلیونی کمک‌های مستقیم به معدن ذغال باعث حذف بیش از ۳۰ هزار شغل خواهد شد ولی دولت اسپانیا هیچ مشکل و ایرادی برای کمک‌های ۲۵ میلیاردی برای نجات بانک‌ها از ورشکستگی ندارد. هم چنین می‌توان کمک به معدن گران ذغال را با کمک به صنایع اتوموبیل سازی که فعالیت غیر تولیدی و مضر دارند مقایسه کرد.

..... باید کارگران شرکت‌های بزرگ تولید انرژی به کمک کارگران معدن بشتابند و به آنها به پیوندند. در ضمن، صاحبان معدن ذغال فقط به خاطر اهرم فشار به دولت و حفظ منافع خود است که در مقابل شهادت و رزمندگی کارگران سر خم می‌کنند. آنها در قربانی کردن و گروگان گرفتن کارگران در مواقع بروز مشکلات هیچ تردیدی ندارند همانطور که در سال ۲۰۱۰ حقوق معدن گران را برای ماه‌ها پرداخت نکردند. صاحبان معدن بیش از یک قرن است که از سیاست دولت در "حمایت از معدن" سود برده‌اند و فقط حالا که بخش‌های قدرتمند تر بورژوازی توان تحمیل برنامه‌های خود را دارند این صاحبان ادعا می‌کنند که زمان ایجاب می‌کند که برای زنده ماندن در بازار جهانی اقداماتی انجام شود. در ضمن، دولتمردان حکومتی قادر به ارائه‌ی یک جایگزین قابل دوام برای ذغال سنگ و تولید ثروت نبوده‌اند ولی بودجه‌ی دولت برای کمک به معدن را برای اهداف انتخاباتی مورد سوء استفاده قرار داده و آن را هدر داده‌اند. خلاصه آن که ما با سیاستی مواجه هستیم که برای منافع الیگارش‌ی مالی و صاحبان شرکت‌های چند ملیتی انرژی و ساختمان به نمایندگی پ.پ و پی‌سو حرکت می‌کند که از طریق مؤسسات خود و عدم کنترل اجتماعی و عدم شفافیت در تصمیمات اقتصادی اعمال می‌شود. دولت‌های طرفدار سلطنت در اسپانیا که بخش‌های کلیدی صنایع را خصوصی کرده‌اند و آنهایی که شرایط را برای انباشت وسیع سرمایه ایجاد نموده‌اند، اجازه داده‌اند که به هزینه‌ی زندگی میلیون کارگر بیکار در اسپانیا و نابودی مناطقی از کشور، کمپانی‌های خود را به سراسر جهان گسترش دهند. برخلاف این، معدن گران سمبل همبستگی و اتحاد و همکاری طبقه‌ی کارگر و سمبل اراده و سخت کوشی برای دفاع از منافع جمعی هستند.

علیرغم تبلیغات بورژوازی، مبارزه‌ی کارگران معدن اسپانیا زنده مانده و همیشه و به اشکال مختلف آمال مردم اسپانیا را با خود همراه کرده است از انقلاب آستوریاس تا مقاومت شجاعانه‌ی سالهای ۱۹۶۲ تا دهه‌ی ۱۹۸۰، ارزش عظیم این مبارزه این است که مبارزه رابه افقی بسیار وسیع تر از دفاع از حقوق و آینده‌ی خود برده و جامعه را در مبارزه، متحد ساخته و و به کل همبستگی کشور رسمیت داده است.

اعتصاب معدن گران که در اساس اعتصابی عمومی است مسیر پیشروی را به مردم کشور نشان می‌دهد. این اعتصاب همبستگی بین‌المللی معدن گران بریتانیا، شیلی، استرالیا، آمریکا را برای خود کسب نمود و بیانگر تلاش هماهنگ برای تضمین موفقیت در شکست سیاست اروپا در تعرض به حقوق مردم است. در طول این یک ماه و نیم مبارزه‌ی سخت، کارگران به این ارزش‌ها مادیت دادند و درس‌های آموزنده‌ای را برای جنبش کارگری و مردمی به رشته‌ی تحریر درآوردند. به خاطر این ارزش‌های سمبلیک که انعکاس مبارزه‌ی یکی از مهم ترین دژهای تشکیلات کارگری و بیانگر قدرت اتحادیه‌ای است نیروهای سرکوبگر دولت اسپانیا هم تلاش کردند که صحنه‌هایی از آستوریاس در سال ۱۹۳۴ (آستوریاس منطقه‌ای است در شمال اسپانیا که کارگران معدن در سال ۱۹۳۴ دست به قیام زدند و فرانکوی فاشیست آن را به شدت سرکوب کرد) که با اشغال شهرها و دهکده و حمله‌ی کور کورانه‌ی ضد انقلاب به حتی کودکان و کهنسالان همراه بود را، بیاد بیاورند. وحشی‌گری که دولت توسط آن سعی کرد هر نشانه‌ای از صدای انسانیت و همبستگی و اراده‌ی طبقه‌ی کارگر را به سکوت وادارد در حمله به شهر سی‌نرا نمایندگی شده است. از نظر منطقی مبارزه‌ی معدن گران اسپانیا به تنهایی قادر به پایان دادن به تعرضات زنجیره‌ای الیگارش‌ی به

توده‌ها نیست. از یکطرف، این مبارزه مطمئناً قدرت نیروی کار متشکل و نیاز به تشکیلات را نشان می‌دهد اما حقیقت این است که پیشرفت سرمایه‌داری در اروپا نه تنها قدرت عددی معدن‌گران را تقلیل داده است بلکه پراکندگی واحدهای تولیدی موجب شده است که فقط بخش‌های مخصوصی از طبقه‌ی ما این خصوصیات را دارا باشند. بنابراین، بالاتر از همه لازم است که در مبارزاتی که مردم از آن خودشان می‌دانند، مبارزات پرطنینی که توسط میلیون‌ها کارگر شکل گرفته و می‌تواند محرک اعتصابات عمومی سراسری باشند، سیاست‌های ملموس و عینی اتخاذ شوند. مبارزه‌ی معدن‌چیان می‌تواند بسیار با اهمیت و تعیین‌کننده برای پیشروی مبارزه‌ی الیگارش‌ی باشد. این مبارزه، با اراده و شهامت، تلاش دارد بخش‌های دیگر را حول خواسته‌های خود متحد و متشکل کند.

کمونیست‌ها از حفظ صنعت معدن ذغال به عنوان بخش استراتژیک صنایع دفاع می‌کنند، به ویژه در زمانی که سیاست درهم برهم دولت پادشاهی قادر نیست پیشنهادی ارائه دهد که چگونه این انرژی باید با انرژی قابل تجدیدی که صنایع مورد لزوم آن در دسترس باشند، جایگزین شود. به خاطر ملاحظات استراتژیک نیاز اجتماعی و کارائی اقتصادی، لازم است که صنعت تولید انرژی از بخش خصوصی به بخش عمومی منتقل شود تا با حذف محدودیت‌های تحمیلی توسط بخش خصوصی امکان برنامه‌ریزی منطقی برای نیاز کشور و در عین حال برآوردن مطالبات اجتماعی و اقلیمی مناطق معدن خیز به وجود آید. بهر حال، در چهارچوب سیاست‌های فعلی دولت این تغییر سیاست امکان پذیر نیست. دولت‌های اسپانیا ده‌ها سال است که منافع کمپانی‌ها و بانک‌های بزرگ و چند ملیتی را تبلیغ کرده و دولت کنونی، دولتی نیست که شرایط کارگران کشور ما را بهبود بخشد.

مبارزه‌ی کارگران معدن اهمیت فعالیت جمعی و اتحاد طبقه‌ی کارگر برای پیشروی را به ما گوشزد می‌کند. این مبارزه باید به بخش‌های دیگر نیروی کار توسعه یافته و هدف مشترک سرنگونی رژیم کهنه و منحل به آنها منتقل شود تا ما بتوانیم به سطح رفاه و خوشبختی بالائی دست یابیم.

پیش به سوی تشکیل جبهه‌ی مردمی برای مقابله با سرمایه‌داران! سرنگون باد سیستم پادشاهی سرمایه‌داران و دغل کاران منحل! حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)

۶ ژوئیه ۲۰۱۲

* * * * *

انعکاس فراخوان بین‌المللی حزب کار ایران (توفان) در مورد دستگیری و بدرفتاری با فعالین کارگری در کرج زنده باد مبارزات کارگران ایران علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته از دست زدن به هر جنایت علیه کارگران و مردم ایران دریغ نداشته است. در هر زمان و مکانی که کارگران و مردم دورهم گرد آمدند تا برای احقاق حقوق خود تصمیماتی بگیرند و در مورد وضع معیشتی و حقوق پرداخت نشده و افزایش دستمزد و ایجاد تشکل مستقل و بحث و تبادل نظر نموده و در راه حل مشکلات قدم‌هایی بردارند رژیم جمهوری اسلامی سعی نموده که آنها را سرکوب نماید. رژیم جمهوری اسلامی از تشکل‌یابی کارگران شدیداً هراس دارد. ده‌ها سال است که رژیم ضد کارگری اسلامی سعی کرده است که از هر تلاشی برای ایجاد سندیکای مستقل کارگری جلوگیری نموده و فعالین آن را دستگیر و شکنجه و روانه‌ی زندان نماید. نمونه‌ی اخیر آن بازداشت ۶۰ نفر از فعالین کارگری در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ در کرج است. رژیم حامی سرمایه‌داران جمهوری اسلامی می‌داند که اتحاد و تشکل کارگران ناقوس مرگ او را به صدا در می‌آورد و به همین خاطر است که تلاش دارد هرگونه حرکت کارگری در این جهت را در نطفه خاموش کند. اما مبارزات کارگری چه در دوره‌ی رژیم فاشیستی شاه و چه در ۳۰ سال گذشته نشان داده‌اند که نه تنها این آتش خاموش شدنی نیست بلکه کارگران و مردم ایران و جهان در اعتراض به سرکوب‌ها، بر شدت مبارزات خود می‌افزایند. در همین راستا است که حزب کار ایران (توفان) نامه‌ای به احزاب برادر و تشکل‌های مترقی کارگری و مردمی ارسال داشت و به آنها فراخوان داد تا به رژیم ضد کارگری و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به هر شکل ممکن اعتراض نموده و جنایات آن را در جهان افشا کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان کرج و همه‌ی فعالین کارگری و همه‌ی زندانیان سیاسی ایران شوند. متن فارسی این فراخوان در نشریه‌ی توفان الکترونیکی شماره‌ی ۷۲ تیرماه ۱۳۹۱ درج شده است.

<http://toufan.org/Toufan%20eletroniki/T-E-72.pdf>

این فراخوان بین‌المللی وسیعاً در ارگان‌های رسمی احزاب برادر انعکاس یافت:
حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست) فراخوان حزب را به اسپانیایی ترجمه کرده و آن را در نشریه‌ی
اکتبر، ارگان حزب درج نمود و هم چنین آن را برای احزاب برادر اسپانیایی زبان ارسال کرده است.

<http://www.pceml.info/2012/07/06/partido-del-trabajo-de-iran-los-activistas-obreros-deben-ser-liberados-inmediata-e-incondicionalmente-de-las-prisiones-de-la-republica-islamica-de-iran>

Partido Comunista
de España
(marxista-leninista)



julio 6, 2012 por [PCE \(m-l\)](#)
Publicado en: [Comunicados](#)

El pasado 15 de junio, en la ciudad de Karaj, agentes de la Inteligencia y Seguridad del régimen iraní asaltaron el lugar de reunión de los sindicalistas. Unos sesenta activistas fueron arrestados, golpeados y llevados a prisión para ser interrogados. La reunión fue convocada para discutir y hallar una adecuada respuesta al impago de salarios, a la falta de seguridad laboral, a los despidos masivos y frente a la represión que sufren los trabajadores que intentan formar

* * * * *

تشکیلات برای بازسازی حزب کمونیست یونان (۱۹۵۵-۱۹۱۸) فراخوان انگلیسی حزب را در وبلاگ انگلیسی
زبان خود درج نموده و آن را به آدرس‌های الکترونیکی فعالین و دوستان خود پست کرده است.

<http://anasintaxi-en.blogspot.se>



The worker-activists must be released immediately and unconditionally from the prisons of the Islamic Republic of Iran !

Dear Comrades,

On June 15, 2012 in the city of Karaj, the Intelligence and Security agents of the regime of the Islamic Republic of Iran raided the.....

همچنین این رفقا فراخوان ما را به زبان یونانی برگردانده و در تارنمای تشکیلاتی خود درج نموده‌اند.

Πέμπτη, 5 Ιουλίου 2012

Οι ακτιβιστές-εργάτες πρέπει να απελευθερωθούν αμέσως και άνευ όρων από τις φυλακές της Ισλαμικής Δημοκρατίας του Ιράν!



Αγαπητοί σύντροφοι,

Στις 15 Ιουνίου 2012 στην πόλη Karaj, οι πράκτορες Πληροφοριών και Ασφάλειας του καθεστώτος της Ισλαμικής Δημοκρατίας του Ιράν εισέβαλαν τον τόπο συνάντησης των ακτιβιστών εργαζομένων. Περίπου 60 ακτιβιστές συνελήφθησαν, χτυπήθηκαν, και οδηγήθηκαν στη φυλακή για ανάκριση. Η συνάντηση πραγματοποιήθηκε για να συζητήσουν και να βρουν μια κατάλληλη απάντηση στην καθυστερημένη πληρωμή των μισθών, την έλλειψη εργασιακής ασφάλειας, τις μαζική διατάξεις για την καταστολή των εργαζομένων, οι οποίοι προσπαθούν να σχηματίσουν ανεξάρτητες συνδικαλιστικές οργανώσεις. Αν και οι περισσότεροι από αυτούς αφέθηκαν ελεύθεροι μέσα σε 24 ώρες, εννέα από αυτούς κρατούνται στη φυλακή. Από τότε, δεν είχαν καμία επαφή με την έξω από τις φυλακές.

Το Κόμμα Εργασίας του Ιράν (Toufan) καταδικάζει τη σύλληψη και φυλάκιση των εργατών ακτιβιστές που αγωνίζονται για τα δίκαια και τα βασικά τους δικαιώματα. Για άλλη μια φορά, έχουμε εκφράσει τη βαθύτατη

پلاتفرم کمونیستی ایتالیا فراخوان را به زبان ایتالیائی ترجمه نموده و آن را در ارگان و تارنمای خود درج کرده است.

[/http://piattaformacomunista.com](http://piattaformacomunista.com)



Iran: libertà per gli attivisti operai imprigionati!

Lo scorso 15 giugno, nella città di Karaj, agenti dei servizi segreti del regime iraniano hanno assaltato

un luogo di riunione di sindacalisti. Circa sessanta attivisti sono stati arrestati, malmenati e portati in

prigione per essere interrogati...**leggi il comunicato del Partito del Lavoro d'Iran (Toufan)**

این‌ها نمونه‌هایی از فعالیت‌های انترناسیونالیستی رفقای متشکل در کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست لنینیست هستند. انجام وظائف انترناسیونالیستی مشخص و ملموس یکی از ارکان‌های فعالیت رفقای کنفرانس بین‌المللی جهت تقویت و استحکام همبستگی بین‌المللی بین کارگران جهان و شناساندن شرایط و مشکلات زندگی و مبارزه در کشورهای جهان است.

رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی ایران باید بداند که هر نوع تعرض به حقوق کارگران و فعالین کارگری در ایران بدون پاسخ بین‌المللی نخواهد ماند. همان طور که ما بارها گفته‌ایم فقط تشدید مبارزه‌ی مردم ایران و حمایت واقعی بین‌المللی می‌تواند رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کرده و دست او را از سر مردم ستمدیده ایران کوتاه نماید.

آزادی فوری و بدون قید و شرط همه‌ی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی!

زنده باد سوسیالیسم، تنها راه نجات بشریت!

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فزاینده‌ی مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

